



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

گر خواسته‌های پسران را کشته علم بر آورده شد و
پسر به باری آن بر بیزاری از مشکلات و آزمایشات
امداد لاید. چندی تندشت که علم تو سرمایه‌داری سر
خوازد و مسلسل پیچ و پهرمای از زندگی ملشی و
بی دروح شد و بیماری از خود بود گذشت گردید باش را
گرفت. سوگاگشت و این هنگامی بود که علم از
بس سرین گردید و با قاعچ چند چهارشی اول و دویم
حیات منها هزار اسلام چون خود را بی ازدیشه
مستعفی آتشی شد که علم چهارم آن را زده نمی‌باشد
دو چند چهارشی، تلتاوش علم را از در تلمیز ساخت
آن به این راه رسیده علم که می‌خواست ایامیش
جمسماں و از رازی، سر درگاه، آرامش رو و حی راهم
از ایوانستان در تبریز، نمکه علم پیرستی نیز از روز و
نشاد و پسر از پیشانی در بهشت بو روزی از عصان کرد
و پاره یک چشم به آسمان دوخت و این ممله قرن

چهل هزار زیبد که قرن بیست و اعشر پرگشته
از همای دروغین و بلکشت به دین الهادی پیش
از آن کفر و شریعت بدین مودودین چون آتشی خود نزد
خاکتر ساخته است و اولمکیم پنهان بود. جراحت
دین همواره موسوی مزید ولی زبانه نمی کشیده بشه
هرگز خدوش هم نداشت. باشکست به سه هفتم هم ندا
ایرانی قرن بیست و هشت هزار کسی هم در لواحق قرن
بیست که افتخار نداشکار گانی در عرصه اندیشه و

هر خیر مشهودی خیر موجود در مدخل کلودیر نثار
می گفت تاریخ و آندر زیر چاقوی جزئی خود تنگرها
دان اینان نیس اور مواباین آغاز ماجده بود
فاجده با انجام اغراق شد که مخالفت پایک دین
(رسوخت) به مخالفت با دین (بططور کلی)
نهاده شد مخالفت با رسوخت منحط و
شذ عالم و عقل به مخالفت با دین رسوخت چهبت
نماید به دیگر - سخن روی دیگر داشت که تو دین رسوخت
رسوخط روسی کردن به دین دیگری نشست بلکه موجب
رسوکردن از دین (بططور کلی) است
الرسوخت از روایی هر چه قدر دین (رسوخت)
حلمه می گرفته به علم تزدیکتر می شد و این به
سبب مرثت دیتی بود که لزویان هایان می تلا

دین فرون و سلطنه سکه قلب بود و پر پندت که
که قلب خر متابل سکه علم بهایی نشاند و دوری
خراز موجب تزدیکی به این من شود همچنان از
نگاهی که خرافات در دین آنها گردیده شو در کجا
آن خلاصه کرد

اپس رنسانس تأثیر یستم خدا بر متنی و
علی جای خود را به علم بر متنی و ترقی داده بشر
روزگاری دین را کنکست تأثیر اسرار وارد علم یگانه
مدعی صفاتی پیر و خضر بودت: مردمی شد و
مهدی نهادند خراسانه های پرشیا و عربستانی سواری

دین مسیحیت در ازرویانی، قرون وسطی
و راکنندگان ازمن پیشون آمد. این معرفه دلیل
روجایی بود که مرتدان دین پیدا هم دلیل
خراسانی بود که روحانیون مسیحی سعاد دچار
شدند می‌بینند شاه ته ازمانه حکومت
برود و توانایی اداره جامعه اراندشت و والان و مصه
این میهم جنگ نهاده بود و داعی حکمرانی و
سلمه گردانی داشت. روحانیون مسیحی هم در
آن پلک، فروخته بودند و هنوز گزند شان
و داندو و مخالفان شان را افسق و تکفیر می‌گردند
و همچویی کشیدند. اما تاچه به لینکه در برود
جهت و قریب هنست از این قدرت است. سر این جمل
جهت علم پر قدرت زنگی باشاق آدم و سیطره دین
شیخ شاکست. مخالفت‌های ملا مسرالدین با
پسر رونق پارلور علم ازرود و علم پر دین پیروز شد
انه در دین خداگاهه درین کشش و کلپله
پس از رسالت هرچه مقره زمان به جلو رفت
و چنانچه مجاورت و دشمن خود (دین مسیحیت) را
نشسته بزدید شلودهای علوم پر شرقت‌های
اصدی، چنان چشم‌ها را به خود خیره کرده بود که
نیزه‌گاهش درین دریغ شد
و تیریخ هنگامی که علم از مبانی و
زیستیون سر بر دراور عالمکن مدعی نمودند که
همان امور اسلامیه مسایی با امور المتعقده است

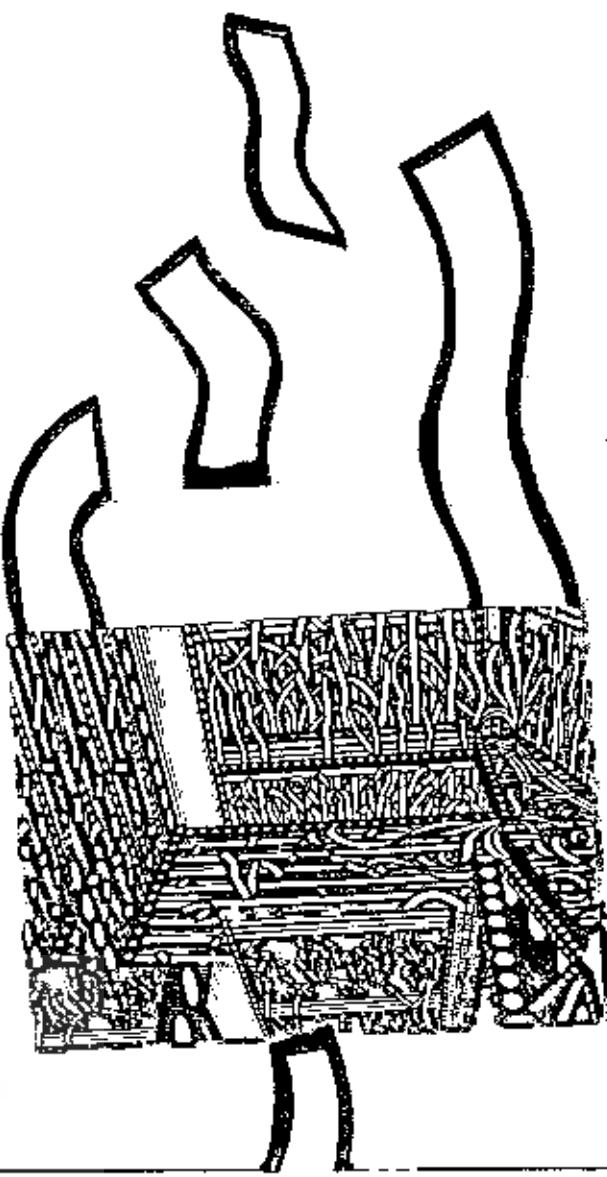
محمد اسفندیاری
اگر همه عکس من و زنگ مخالف که نمود
بک غروغ رخ ساقی است آن در جام المقاد
پکش گردیش به دین همراه نهاده ایان بود
است هیچ گاه جسم پیون دین هر طبق وجود نداشت
و هر چند که از افرادی دین در جوامع وجود نداشت، هرگز از آنها
یک لایه طلبدانی پنهان و همراه با شکسته شد و مر
لستهای بودند که از دین دین در نهاده ایان است اگر
سرور، شفاهه خطری دین دین در نهاده ایان است اگر
هر گذشت از ایان به عنوان هم وجود مستوی اقامت
وجود نداشته بوده، هم وجود نداشته و هم وجود
میباشد برای خود سخن می گفتند «بروزه» یعنی تو
هر موشک و همانوار، و زایده از ایان به عنوان
موجود دین بروزه هم سخن می گویند این درست
لست که دین «هم بروزه» در چند «هم افق» و «بارها»
مسکندری خورد و نقش بر ترسن شد اما سر اینجا
اقاتلو خیران قدر است کرد و اینکه استوار و سر از از
ایمانه است و طرفه ایکه همان ها که پس از رسائل
گویاخان علم به دین مسیح بر تاب کردند و آن را زال
دانه و زندگی پیرون گردند، اینکه فرزانه ایان دین
و اقتدار می پنداشند و در صورتی که خند تراهمان از انتقام
محروم است و گزندی است اگر همچومن فرن اینقدر
اگر باشد «دنی و قم» می زند از ای پسر ریاضی
تمددی اینچند مادران دارد

تفسیر لر زین را نهاد. سپر دیگر از مصل دین خواست
بشتري از پيکدين بادين ديجير و حتى با تفراست
پيروان گفتند که هدين طبعون توده هاست. همه
خوش بولود چهل آسمه، هدين ساخته قدر تسلط
هون تجھيز مردم استه و دين فلان وبهمان هاست
راماسخ هر اين است که اين کدام دين است.
دوس در تاریخ هم جرسه. تعمگران ملیه
ستندید الکن و هم سلاح ستدید الکن علیه
مشتگران بوده است. هم توجیه گر وضع لغایله
موجود و هم پرهز شنده آن بوده است. هم موجب
سکوت و بکون و هم مایه حرکت و اعتراف بوده
است. هم پر لکر علم و عقل و فرهنگ و هم کافواره
پور شکله آن بوده است و هر يك کلام هم انسان کش
و هم کسان را پر بوده است. آري، هر کارنده دين هم
آن و هم اين به هشم من خورد.
چهاروان همچو تواني گفت که هدين طبعون
توده هاست و همچو تواني گفت که هدين سعرگ
توده هاست. هر دو سخن درست است ما همه سخن
لين نهست و هر يك ناظريه ديني چنان بوري از ديس
السته گفتني است در جنگ قادسيه، فرماده به
اسلام به ايرانيان گفت که ما اندیلم مردم والي چور
نهيان به عمل اسلام اوريم؟ تمهير «دور ايران»
از تمهير طبعون توده هاست. همه سخن اين است لما پايد و داد
که مقصود از اين تمهيرات یا مصنهاع آن، کيمين من
اند با کدام تفسير زين.

لشیوه گواهوند، به همین اندک اشاراتی که درباره دین شد احساس می‌گردی و انتظار نزدیک بود
هر چند تاریخ از این برداخته شود
علم تاریخ ادیان (برنیل)، سلطان خلیل زاده
جویله زاد و رشد کرد و پایور شد. فضلاً هبچین
میرف و پاید همچوین می‌شدند. نزد ایرانیان
مسلمانان پدر اسحاق داشت پرائیده، بد و قرآن
پرائیتر نبود و دوستگیر اینی به مسلمانه های برایه از این بود
چنان که من ذکریم، نام ۲۵ پیغمبر می‌فران امده و
خبر اسلام او ۷ دین (محاجن، عاشیق، پیغمبر) نهاده
منظر کان، شیخوستان و هر یاران یاد شد و یه کتاب

بیان این مطلب الزم طریق است که حفاظه مجلسی
هر جمله نیمی بخواهد بتواند باشد و اگر نهاده
ظاهر جمله الله تعالیٰ علی اولین سلسله اختلافه
که فی القرآن الکریم «ای این و ای آن» در پیش از صور
مشتمل بر اینها از قرآن است که حدایونده استخراج
با هال اکتفی کنند و کفران پرداخته نهست مقسوم اینکه
در قرآن مدلات توجه به مسلمانان نشده بلکه خطاب

و در پیروزی وان دیگر لشکر باعث آنها نیز شد
که سه تخمین زده می شود که پیش از آغاز حرب
قرآن که حدود ۱۵۰۰ آیه است، در مسلمانان کتاب
و کتابخانه های اسلامی مسند به آیات قرآن را می توان
ایجاد نماید اما مسند به آیات مستقبل در احکام
در این انتساب احکام می بینند با اینکه تعداد آیات اسلامی
بیش از آیات احکام و اعمیت آن تقریباً برابر است ولی
اعلیات کمتری به آن می شود و عکسون یک کتاب
هم تقریباً آن بو شنیده می شود اینچه نوشته شده
کتابخانه ای است در برای فحص قرآن که البت مسئول
بر تفسیر کلام ایات اسلامیان بود.



فلاح و مددات نعمت و مدد ایمان به دینی که آن را
لئی شنای بیم ماند گفته به آن بسته پس اتفاق ایمان
به دین کافی نیست، شناخت هم ضروری است
پنجه هنگامی که از اعتماد و ضرورت دین
سخن گفته می شود، لاجرم باشد گفته شود که
مشهود کدام دین است، چنان که من تابع ادیان
چنان را به گونه ای مختصی تقسیم کردند
از جمله آنها، جم اینها به اعتبار خاد نشانشان (الباین
سلیمان) این بین چندی ادیان هندی (یا به اعتبار
تفوشنام (دین هندو) دین مسیحیت، دین (للام) ایمان
است، هر یک از این تقسیم‌گذاری هایه توبه خود درست
است اما گونه دیگری از این خواسته هم ایمان
پرداخت در این تفسیری، تباہ آین وجود مادره
دین توحید و دین شرک دین منحط و منجد و
دین مترقی و متخرک دین زور و گرسنگی و دین
از اندی و برخوارداری دین مستبدیگان و محرومی
و دین ستگران و معروضات افریان؛ دین توحید با
لوش هادین شرک پاصلویش طاهه ایمان داخل
هر یک از این تقویین هستند اصل ایمان که هر دین
نیز برایه تفسیری که از آن می شود همان هر یکی
از این دوین می شود، به اعتبار این نظر، سچندی
هم کلیه ادیان به این تفسیر می شوند و هم کلیه
مذاهب، یعنی همه جمیعت منحط و منجد وجود
دارد و هم مسیحیت مترقی و متخرک هم مسیحیت
زور و گرسنگی وجود ندارد و هم مسیحیت از اندی و
برخوارداری اهم اسلام منحط و منجد وجود ندارد و
هم اسلام متلقی و متصرک اهم اسلام زور و گرسنگی
وجود ندارد و هم اسلام از اندی و برخوارداری

پس هنگامی که مادر دین سخن گفته می شود
بنی هر یک باشد گفت کدام دین؟ این کافی نیست که
بسلا - گفته شود اسلام باشد - جمیعت زیر ایام هم
من توان گفت کدام اسلام و کدام مسیحیت اسلام
محمد با اسلام مطابق است - جمیعت قرون وسطی ها
مسیحیت هم می کنند این پک دین باشد و هم
تفاوت پیشتری از این با تفکر است و گاه میان یک

عمل پوچندند به مرغ حق شده به دنبال مسنایزی
من گشته که بینی نباشد و لر اسلام برای تجارت
قوشانه شده باشد از این رو به دریان دن چند
شناخته باشیم تقریباً چنان که به سر فریاد فکه بود
جهات پلهای

آنها کلراون پسر، آمده و پیوسته به سوی
دین مسیح و دین هندو اندی این کلراون را همراهی
نمی گشته و مطلع به آن نرسیده اند و مطلعی در
میزان سه هزار و میزاهشت ایجاد این می گشته و عدای
و راه را به روی آن می بینند و عدای می گوشند، را
به امیراک کشند ولی این کلراون امکان آن طور به
دوی لقی رود که دین از انجام طوع می گشته دیگر
سلطان این نیست که پسر دین طلد پاندارد بلکه مهم
آن این است که چه دنبی دارد

قبه هنوز مانده بمنان نمی توان گفت که دین
اینده بشر کلم است و از چه میان بیشتر اشغال
من گند ایمان نمی توان حدم رود که دین اینده دینی
است که اول ازه علم روی حوش نشان دهد تا زیارت
حل از در دوستی در آینه تاثیر هنگیست باشد
و این قادر به برخواری فقر نشاند، خش باز اندی و
آج نهاد سادساشان در آن جایگاهی بلند داشته
بادند هر دینی که قدر این ویزگی های انداد باشد
لین و پیوگی هماری شود دن اینده بشر نیست و
این کلراون به آن بسته من گند هان فی قلک لذکری
لعن کلی که ظهرا والی قسمی

گفت شد که اینک پایه عصر بازگشت به دین
گفتند تا هم این دست این بازگشت به دین به از روی
سر خود گئی از پیغمبرین و قدر ملکی و گیری زبان پایری
پنکه بروایه فرگ تهمیت و ضرورت دین باشد
خایست این ایمان است که بازگشت به دین همراه بازگشت
به دین باشد و دین چنان که هست شناخته شود
بازگشت به دین هر چند خالصه اگر با اشناخت
هر چند ناشیست، مودعه و مساعده بشش نیست اگر
هم اسلام های دینی پکرند که آن رانی شناسند
هر چند که آن دین حق باشد حقیقتی، گذشت

لیے نوٹسٹھا:

- ۱- آبوجعفر محمد بن جریر طبری، تاريخ الامم والدول و الممالك، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم (پرسوت)، دارالتراث، ج ۲، ۱۴۰۰، چاپ اول، کتبه الشابه والنهایه دفتر، طبعه المسنده، ج ۱-۳، ۱۴۰۰، خلیل، طبعه ابن خلدون، المuron، مؤسسه الاطلس، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۹۵.
 - ۲- فتح تعالیٰ مکتوبات سلطانان بالعلن کتابخانه و معوچ شدید، عین الدین حسین بن زین کوہنه شرقی، نشر فرسن، س-اسلس (چاپ اول)، تهران، منتشرن، سالگرد ۱۴۰۵، ۱۴۰۵.
 - ۳- می، ۱-۴- المسندة «کشکن» اهل کتاب هر قدر و اسلام، نصیر، گراندیه السلام (چاپ اول)، تهران، منتشرن، سالگرد ۱۴۰۵، ۱۴۰۵، ۱۷-۱۸.
 - ۴- مفتی ازرسول علیاً (خلافی)، ریوایت کرد محدث العالم علیان، علم الادیان و عالم الانسان، هدیت‌الله بن افریم، دوایت، یکی محدث العالم ایزد، الفتنه للادیان و الطبل للجاذب و السهو للسل و النجوم لسفرقا زمان، هردو حدیث در پیرالاسرار، ۱، ۱۴۰۰، ۱۴۰۰، ۱۴۰۰، به تعلیل از کنز الفوائد کوچکی آمد است حدیث در پیرالاسرار از حدیث در لسته بالا نیز نیز که از قبیحه مبتدا شد و چنین اغفار معد العالم نلات استد بعید باید من کتاب‌باری من، به تعلیل و می، ۱۴۰۰، مفتی محمد صفاتی در کشکل‌الدور المانندیه، هریل، اسلام‌الخلافات الموقوفه، حدیث داشت و (السلم علیک)، ۱- مجموع چهار داست.
 - ۵- خرمیان کتاب‌های مال و تدل، مال و تدل شهرستانی، به این کتاب‌لذت‌گذاری است وی هرچنان کتاب‌بشنی روح و راه ایمان آسمانی (آخر الرسل‌سلام) و حمله‌ای بشری از شخصیت دارد این دهترانی، هرچشم دیگر توئین‌گان مال و تدل، کتاب‌بشنی از کتاب خوش راه ایمان کتاب‌های مسلمان و فرقه‌ای از اختشاعی داشت.
 - ۶- میری شناخت این دایره‌السفر بر جرع شود و به اینه خلیل‌السفر، چون که نوشته بهادرانی نظر مشاهد، در کتاب سروری سلوک (چاپ اول)، تهران، منتشرن، می، ۱۴۰۰-۱۴۰۱، ۱۴۰۱-۱۴۰۲، ۱۴۰۱-۱۴۰۲، فرج‌نگ (کتاب ۲-۳)، بهار و پیغمبر ۱۴۰۷، ۱۴۰۷.
 - ۷- چو و میریز مرکان خلیل منتشر شده است سرورالله (بور‌السلطنه) دین و روحی، ترجیه بهادرانی خوش‌مانی (چاپ اول)، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۴۰۷-۱۴۰۸.
 - ۸- مفتی شفعت این نیست که بهاران به دین شرط‌فهم آن است بلکه منتظر این است که برای دین شناسی به سلطان فرموده دین و مصلی (آن نیز است) لین مسلمان چن جزی ایست که مال و لر و بدین‌گزیری شفیر می‌گشته در جمله باشد.
 - ۹- چو و میریز دو راه از این ریخ تندیں، فرج‌نگ محمد احمد احمد (چاپ اول)، تهران، س-اسلس (چاپ اول)، ۱۴۰۰-۱۴۰۱.
 - ۱۰- خرمیان و سیدت‌ازران اکن مدت رفاقت (مال دیاردهم) شماره سوم، فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۱، ۱۴۰۱، می، ۱۴۰۱-۱۴۰۲، پیغمبران در کلام‌الآلاق، هریله سیزدهم دلیل کتاب کوئی نیست، در این ریخ شفیر می‌گشته سیزدهم دلیل کتاب این فرقه محدث شفیر داشت (مال دیاردهم) شماره چهارم، شرداد و شهر ۱۴۰۱، ۱۴۰۱، می، ۱۴۰۱-۱۴۰۲، چو و میریز، فرقه‌ی دین نویسنده (چاپ اول)، تهران، سرگزش‌گزیر فرنگی شرقی، ۱۴۰۱، ۱۴۰۱-۱۴۰۲، چو و میریز، شفیر است، «کافت و گویی ایمان و تعلیم حوزه‌ای طرف‌گزیری که شفیر داشت (مال دیاردهم) شماره آن داشت، ۱۴۰۱-۱۴۰۲، ۱۴۰۱-۱۴۰۲.
 - ۱۱- تکه‌ای از علمی مکتبی که در پیش‌جهوت معلم کتاب پیغامبر و امام شفیر شفیر، کتاب‌هایی با شخصیت ذهنی است مخصوصیت‌هایی طبیعتی داشت، می‌سیحیان و پیغمبر، در پیش‌جهوت در پیش‌جهوت اسلام (چاپ اول)، نویسنده ۱۴۰۱-۱۴۰۲، اس، وزیری

روی و خود شرایط دین شناسی سخن
پرده سبب آن است که این ویزگی ها
ت حرم موضوعی مدخلات طره و طیاره
سی بجز شرعاً است هر واقع دیدناری و
در شرایط انصاری دین شناسی است.
بعد سال های گذشته برای تفاهم و
آن ادیان نلائی های شده که لرستانه
شن لست^۱ از آن جمله به پرگزاری
بین المللی اسلام و سیاست می توان
که به ابتکار میجان برگزار شد
حالان مسلمانان انتقاد با اتفاق جریان
جیان پرسوون لدان از حرب آغاز شده و
پرسکام آن است این سلطنه پوشیده در
رد خود روند در قرآن می فرماید «فبشر
من مصمدون القول فیتبعون حسنه
من هدیهم الله و اولانک هم اولو الابله»
اشلارت دادان گشای که به میخ
جهت و از هر چند آن پرسووی می کند
سلطان که خداهای شناس کرده و این
شد^۲ این در حالی بود که کفاران
لا اسموا بهنا القرآن والواحه العلام
این قرآن گوش ندهد و باور اکنی در
شکه های پنهانها^۳،
و سریع تراز این آبه^۴ سوره ال عمران
بال اهل الكتاب تعالیٰ کلمه سوار
الم اتم الای الله ولا تشرک هم اولو الابله
ناهی مشاریع این مون الله فلان توکلوا فتوکوا
نامنثون ایکو ای اهل کتبه بایلید بیز
که بین باو شما پکانالت باستیم که
را برترین و بروی او هیچ شریکی نتواریم
از ماد بگران را بر پر اسر خلودنده خدای
روزگران شدند بگویید شاهد بشاهد که
ایوه^۵،
رسروزها عنوان گشت و گسو و تناهم سیان
ح است اگر تکویم ملهم از آله فرق
آن است بروایه این آبد بر سلمان
که اهل کتبه را به توحید دعوت کنند و
لردهان توحیدی تشکیل دهند^۶ اگر در
سلطان باین آیه مصلحتی بر کردند و حل
د محنت مسلمانان پیشخ می داشته هم
وحیدی بیش از بیش گشرش من بالفت
مه مادرگاری چندان خودنمایی نمی کرد
روزگران مادین نی داشت لیکن تیابه
ح است دادر دادر داشتند اسلامی و طوفه
با دعوت نعل کتاب به توحیدی در تشکیل
آن توحیدی^۷ بگوشت.
ما گشرش ماترالبسم ذکری و ماترالبسم
پیشتر سدن از تبلطف و گوچ کشدن
وجود آشن حمکنه چهانی^۸ بلکه «کلیه
کلی جهه ادوان توحیدی بیش از
همت فاردد برپران هر دین تمی تو اند سو
بوده فربرند و از اختلط با پر اسر و روان بگران
هزارند و تهدا خانه دین خود را اکسته
تیجه کوچک شدن چنان وکی شدن
مشکلات افت.
ال جیهه ادیان را توحیدی ناییجی کار آمد و
روز آن جمله بینکه^۹،
گشرش ماترالبسم ذکری چلوگیری
و امظهوی مازد
سد و باری و ماترالبسم مخلالی مبارزه
مع آن انسانیان می مازد
گشرش لکم دینی مدد می ماند و اهمیت
آن می داشت
لات مشترک ادیان را بطرف می سازد
اخت لذایز والی یکدیگر تصحیح و تکمیل
روان هر دین مدد می رساند تا دین خود را
بیه و اینکو ادیان پرتوک گند.
موضع چنگکهای دینی چلوگیری می کند
نه^{۱۰} مامتا امیز دینی را فرام
رساند

پیش‌نمای غربی‌اند هستند که به مطابق درباره اسلام
می‌پردازند؟

جهان اسلام به علی گوتانگن از جمله افغانستان
و هنوزی دین خود و بطلان دیگر افغان و افغانستان
به اینکه خاله ابطال پیغمباد پدر ترک نامه تاریخ شناسی
افغان را فروخته و در لایک شود فروخته اما
دانشمندان چنان غرب به علی گوتانگن از جمله
کشور ماتریالیسم فکری و ماتریالیسم انتشاری
علی‌السودہ رویه افغان گردند و اینک مسلمه‌جنان
تاریخ شناسی افغان هستند

به هررو اگرچه تاریخ شناسی افغان در چنان
اسلام کارشناسی کم برگ و پاره خارج چنان می‌نماید
که چنان نخواهد بود

پیغمبر اکنون هم در برخورد تاریخ شناسی
افغان و دشواری آن تکوین یافتن مجذبه پایان گفت
که در گذشته تاریخ شناسی افغان چندان قرین
تحقيق و توثیق نموده است پس از این پیش
رویکش از آنکه دری شناخت افغان پایان نهاده، قدم
دانش حقایق درین خود را داشتند که هر چه بین
افغان دیگر تصور و تصریح نمی‌زدند و آن دلله که
تفصیله میرانی درست دین خود را داشتند مردم
مرغی دیگر افغان توبوند همچنین گاه‌الکاری به
افغان دیگر من نهاده و سبکی از آنها شده است و با این
که پهلوان شان چنین اشتغالی نداشتند بطلان آن
ظاهر بود

مضاراً اینکه اگر همه تحقیقات گذشتگان درباره
افغان درست باشد امروزه بخشی از آنها اکنه و
منسخ شده است اگنون نمی‌توان مرایه اینچه در
گذشتگانی گذشتگان افغان از پدره شناسی شناخت
اسلام گذته شده‌اند این افغان از پدره شناسی شناخت
هر یک از این افغان تصورات و تجواالت داشتند
و تفسیرهای دیگری از آنها شده است و با این
نمی‌توان به تفسیرهایی که در گذشته افراد افغان
شجاعه شده که

نتوجه اینکه امروزه بازشناسی افغان خود را
بله بپرسیم هر دین چه پایه در شناخت افغان دیگر
تجدد و تغیر گذشتند و هری چه شناخت افغان داشتند
که افغان باشند اگر هم با کتاب‌های گذشتگان افغان
و شناخت اولیه افغان داشتند باشد که در
سری افغان نمی‌توان به این دیگر از رهگذر
گذشتگانی گذشتگان افغان داشتند که در
نمی‌توان چه تفسیری می‌شده است اما
گذشتگان هر دین چه تفسیری از اینها شده است
نمی‌توان اینچه امروزه از هر دین چه تفسیری
می‌شود اینچه امروزه خود را درجه همین شناخت
سری افغان است و مبنی اینکه بپرورد و مسبحه
صلیم چه می‌گیرد و دین خود را پیگوئه تفسیر
می‌گردد

این راهنمایی تکنیک هستند که در کار تاریخ شناسی
افغان، دین‌نگاری و زبان‌نگاری ۲ شرط اساسی شده‌اند
هندگانی که محقق تاریخ افغان به دلیل اینکه، به
هر چه اتفاق دین ناپل شنیده شود پایه دارد کور مادی
نمی‌توان هر دین ایله‌س و ایله‌گ کرد و مسانده‌نگار
مانند گذشتگانی توان اتفاق و سیع دین را شناخت.^{۴۰}

درست گفته شده که حدیث علیه چه داشت کسی که
هوشه عمر ایه سر نگرفته بلند در سراسر راه
و پل در راه هنگامی که خواهید از سدن
شرق سخن یکوید خطاب به مردم غرب می‌گردید
خدمات غربی چگونه ممکن است مشتری زمین را فهم
گرد؟^{۴۱} اساساً که من در مطالعه و مراجعت گزارتند
پس فهمیده که اگر یک غربی تسامع عمر خود را به
سلطنه در فضایی مشتری زمین وقت گشاده باز هم
نمی‌تواند در اسرائیل امیر شرقی را چنان که هست
درست گردید.^{۴۲}

زبان‌های هم شرط دیگر دین شناسی است و
همین شرط است که تاریخ شناسی افغان و افغانی
می‌کنند برای شناخت هر دین یا بدیهی زبان این از داشت
و اول دین را با اهالی زبان معلم‌گردانی توان السلام
و افغان که بلطف از این اکلیسی شناخته همان گونه
که معمی نیوان می‌جیست و این که بلطف باز زبان
فارسی شناخته

اگر از حقیقت طلبی و می‌تمدن و پر همراه باز

هوان باشد و در آن به ادبیان پرداخته شود و نقش
در بر مذاهب باشد

به هررو، در گذشته جایگاه بحث درباره ادبیان در
کتابهای ملل و تحلیل بود و همسوواره مرکزان ادبیان آن سخن
متلب اسلامی پرداخته من شد و پیش از آن سخن
مورد افتاده بیان دیگر علم ادبیان و علم منابع
قیاسات در تاریخ اسلام هزار و پنداده امام شمسه
بیرون و علم متلب اسلامی به عسان دلیل که
گذشت، پک شده بزرگتر از علم ادبیان بود و پیشتر به
آن علاقه من شد

محض توجهی که تکلیف این ادبیات و اعمال فی شرح
الملل والنحل از احمد بن یحیی، من توان پاد کرد که
که شامل آباب است و فقط باب اول آن درباره ادبیان
(غیر از اسلام) است با اکنون بیش از اسلام است و فقط
محمد حسین علی که شامل آباب است و فقط
باب دوم آن درباره ادبیان بیش از اسلام است با اکنون
الفصل فی امثال والاهو و النحل از این حرم که
جعید و یوسف آن درباره ادبیان (غیر از اسلام) است با
کتاب نیمه الاما در معرفه مقالات الاما منسوب
به سید محمد تقی داعی حسینی رازی که از ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۳
 فقط باب اول تا سی و سه کتاب اعتمادات فرقه الماسیان و
فست مهدیان به کتاب اعتمادات فرقه الماسیان
المشرکین، از اسلام خواهی ازی می توان اشاره کرد که از
از ۱۴۰۳ باب آن فقط باب آن دربره ادبیان (غیر از
اسلام) است.^{۹۷}

اعتمد: علوم در شرق زانه شد و به غرب رفت. در
غرب کامل شد و به شرق رفت. این لذتی که البته
کلیت نذرلند درین لایه علم تاریخ ادبیان ملک است.
این علم در موزمن اسلام زاده شد و از جهای غرب
و قطب سپس در غرب به کمال رسید و اینک چند دهه
پیشتر نیست که به شرق پر گشته است.
سکه علم تاریخ ادبیان به شام غریبیک مانک
مولو (۱۴۰۲-۱۴۰۳) - دین شناس و زبان شناس
المللی مژده است.

لورانشین فردی داشتند که اشیویان
جدید علم تاریخ ادبیان را بین نهاد و از ضرورت
معالم دین به صورت عامل و جوان توجه به این
دادگفتن دارو آن را به عنوان یک رشته علمی مطرح
ساخته اگرچه پوش از او خوب کارهایی صورت
پذیرفته بود ولی اقطعه طبق بود و می توان از این
علم تاریخ ادبیان پر شمرد.

و عدم است که اخیر دین شناسی مذایعه ای را
دوری سه موم قرن نوزدهم به سلسه جنبشی مولو
من معتقد چتران علم تاریخ ادبیان به صورت علمی
و جدید آن، جوان است و قرآن ۱۰۰ مسال
می گزد اسلامی ۱۱۱ سال هجری زدن کار این
شده و پیشتر فتح امیر چشمکاری به افعی پرسنه
است از چادرشین کرس تاریخ ادبیان در دشکشانها
گرفته تا ناشنی مجله های ویرزین شناسی و چاپ
کنکه های معتبره و مخدودی در تاریخ ادبیان، هرای
نموده ۲۰۰۰ متر شده است اولی، هایر و معارف
نشانه از ۱۴۰۵ تا ۱۴۰۶ م - سی محیث شناس اسکانندی
- است که در ۱۲ جلد و در فصله سال های
۱۴۰۴-۱۴۰۵ متر شده دویم که مهمتر است
داروی معارف دین و وزیر است بیرون از این ده
۱۴۰۷-۱۴۰۸ م - دین شناس و اسطوره دان در میان
- است که در ۱۷ جلد و خود دست ۲۰ سال تجویں و در
سال ۱۴۰۷ منتشر شد.^{۹۸}

باری هر چند که دنبیان اسلام زادگاه علم تاریخ
ادبیان است اما اینکه بهای غرب پرور شدند آن است و
پیغمبر مسلمان از این علم، رس اندک و این است
که امروزه تاریخ شناسی ادبیان در جهان غرب که ما
التعارف ادارکنیم نمی بینیم با تاریخ شناسی ادبیان هم
لحاظ کنی و گفتن قلی مقایسه نیست، بلکن بدیکه
امروزه در جهان اسلام چند تن یافت می شوند که
عندendar تحقیق پرایه پروردیت و صحیت هستند
و آن این مقدم قطع تاریخ اسلام مطلع تحقیقات اشان.